

شناسایی عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن و روش‌های نوین جذب آن‌ها

(مطالعه موردی استان کرمانشاه)

عادل سلیمانی* / محمدصادق کریمی**

چکیده

انگیزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل جهت دهنده برنامه‌های سوادآموزی شناخته شده است. فقدان یا کاهش انگیزه بر تمامی عملکردهای فرد اثر گذاشته و سبب تأثیرات منفی زیادی می‌شود. لذا هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن و روش‌های نوین جذب آن‌ها در استان کرمانشاه می‌باشد. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا انجام شده است. در این مطالعه ۳۵ آموزشیار نهضت سوادآموزی در سطح استان کرمانشاه، بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در مصاحبه نیمه ساختارمند شرکت نمودند. در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات پس از اشباع نظرات کلیه مصاحبه‌های ضبط شده بر روی کاغذ پیاده و مرور گردیدند و تم‌ها یا درون‌مایه‌ها استخراج گردیدند. سپس فهرستی از این تم‌ها تهیه گردید و شباهت‌ها در معنا و مفهوم آن‌ها مرور شدند. بر اساس محوریت، تم‌ها در یک زیر طبقه قرار گرفتند و سپس با مرور مجدد زیر طبقه‌ها، زیر واحدهای مربوط به هم در یک طبقه قرار گرفتند. در نهایت پس از تجزیه و تحلیل دست‌نوشته‌ها، تعداد قابل توجهی درون‌مایه اولیه و سه درون‌مایه اصلی که هر یک دارای چند درون‌مایه فرعی بودند، استخراج شد. درون‌مایه‌های اصلی به‌دست آمده در مورد عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن شامل، آموزشی، محیطی و نهادی بود. با توجه به نتایج به‌دست آمده، توصیه شده است که سیاست‌گذاران سازمان نهضت سوادآموزی و آموزشیاران به‌منظور افزایش انگیزه افراد بی‌سواد، از روش‌های نوین جذب آنان با رویکرد بومی و محلی استفاده نمایند و طراحی غیرمتمرکز برنامه‌ها را بر اساس الگوهای سوادآموزی تابعی با توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های جامعه هدف در نظر گیرند.

کلیدواژه‌ها: بی‌انگیزگی، نهضت سوادآموزی، مطالعه کیفی، کرمانشاه.

مقدمه

مسئله بی‌سوادی یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری به‌ویژه در کشورهای جهان سوم و مسلمان به‌شمار می‌رود (آتشک، ۱۳۹۰). درواقع بی‌سوادی به‌عنوان یک معضل بزرگ اجتماعی روند توسعه جوامع را کند کرده و با توجه به اینکه سهم کشورهای درحال توسعه در این زمینه بیشتر است، مسئله رفع بی‌سوادی همواره درخور توجه بوده است (باقریان، ۱۳۸۰). بی‌سوادی و حتی کم‌سوادی خود ریشه‌ی بسیاری از مسائل ازجمله مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع می‌باشد، امروزه نقش دانش و آگاهی در توسعه فنی، تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به‌خوبی آشکار است و گسترش آموزش و پرورش و کاهش درصد بی‌سوادی یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت هر جامعه محسوب می‌شود (پور رمضان و امیری میکال، ۱۳۹۳). لذا جوامعی که خود را به نحوی از زیر سلطه و استعمار آزاد ساخته یا می‌سازند به گسترش سوادآموزی روی آورده و اولین قدمشان در جهت رشد و توسعه آموزش و پرورش است و هم‌زمان با ایجاد دگرگونی‌های اساسی در امور اقتصادی و اجتماعی به اجرا برنامه‌های سوادآموزی بزرگ‌سالان در کلیه ابعاد می‌پردازند (معمدی شملزاری، ۱۳۸۹). در جدیدترین تعریف یونسکو، سوادآموزی عبارت است از توانایی تعیین، درک، تفسیر، آفرینش، برقراری ارتباط و حساب‌کردن و استفاده از مواد نوشتاری و چاپ‌شده مربوط به حوزه‌های مختلف علمی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و... سوادآموزی شامل پیوستاری از یادگیری است که افراد را قادر می‌سازد تا به اهداف خود دست یابند، دانش و استعداد خود را گسترش بخشند و مشارکت کاملی در زندگی اجتماعی داشته باشند (یونسکو^۱، ۲۰۱۵). سواد یک کنش اجتماعی بوده و دربرگیرنده‌ی ارزش‌های مختلف، نگرش‌ها، احساسات و روابط اجتماعی است (استریت^۲، ۲۰۱۵). درواقع سوادآموزی و جایگاه آن در برنامه آموزش برای توسعه پایدار یونسکو بسیار حائز اهمیت است چراکه سوادآموزی، نقشی محوری در تقلیل فقر، بهبود سطح معیشت و توانمندسازی مردم ایفا می‌کند و عنصری اساسی برای ایجاد جوامع پایدارتر و سالم‌تر محسوب می‌شود. در این میان به تعبیری سواد اطلاعاتی^۳ از منظر یونسکو عبارت است از ابزاری که مردم را در همه مراحل زندگی برای جستجو، ارزیابی، کاربرد و تهیه اطلاعات توانمند می‌سازد تا بتوانند به‌طور مؤثر برای دستیابی به

1 UNESCO

2 street

3 Information Literacy

اهداف فردی، اجتماعی، شغلی و آموزشی فعالیت کنند. از دیدگاه یونسکو، سوادآموزی پیش‌زمینه‌ی ظهور سواد اطلاعاتی بوده و نقش مهمی در ایجاد و توسعه فرهنگ دموکراتیک و یک جامعه فعال مدنی ایفا می‌کند و امکانات جدیدی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع از طریق تقویت و کاربرد استعداد های افراد (دانش، مهارت‌ها و طرز تلقی‌ها) فراهم می‌سازد. مهارت‌های سواد اطلاعاتی برای ایجاد جوامع دانش‌بنیاد و تبدیل مردم به فراگیران مادام‌العمر الزامی است. سواد اطلاعاتی با ارکان پنج‌گانه یادگیری مادام‌العمر (یادگیری برای چگونه دانستن، یادگیری برای چگونه انجام دادن، یادگیری برای چگونه بودن، یادگیری برای همزیستی با دیگران، یادگیری برای تغییر خود و جامعه) ارتباط مستقیم دارد و به افراد کمک می‌کند تا از آموخته‌های خود در جهت رفع چالش‌های زندگی روزمره استفاده کنند و یاد بگیرند که چگونه خود و جامعه را تغییر دهند. سواد اطلاعاتی لازمه دستیابی به توسعه پایدار و تحقق اهداف توسعه هزاره است (یونسکو، ۲۰۱۵). در کشور ما نیز پس از تأسیس سازمان نهضت سوادآموزی جهادی همگانی صورت گرفت تا هرچه زودتر معضل بی‌سوادی را در اقصی نقاط کشور ریشه‌کن کنند. در این میان از آنجاکه محور اصلی فعالیت‌های آموزشی انسان می‌باشد و از سوی دیگر انسان موجودی است پیچیده و در عین حال ناشناخته، بنابراین شناخت انگیزه‌های او امری دشوار تلقی می‌شود که نیازمند توجه و دقت خاصی است؛ اما بنا به ضرورت آگاه شدن از خصوصیات، ویژگی‌های انسانی در جهت تهیه و تنظیم برنامه‌هایی متناسب با آن‌ها، بسیار مهم است لذا شناسایی عوامل بی‌انگیزگی افراد برای شرکت در کلاس‌های نهضت سوادآموزی نقش مهمی در برنامه‌ریزی و اجرای اثربخش اهداف سازمان نهضت سوادآموزی ایفا می‌نماید زیرا شناخت جنبه‌های مختلف گروه‌های مخاطب یک برنامه، به‌عنوان اصلی‌ترین اقدام برنامه‌ریزی محسوب می‌گردد (رجایی پور و همکاران، ۱۳۸۶؛ آتشک، ۱۳۹۰). اگر برنامه‌های سوادآموزی بر اساس شناخت همه‌جانبه سوادآموزان (به‌عنوان مخاطبین اصلی برنامه‌ها) و تحلیل ابعاد انگیزشی آنان، طراحی و تنظیم گردد، تأثیرات گسترده‌ای بر تحقق اهداف توسعه‌ی پایدار خواهد داشت.

این در حالی است که باوجود تأکید اسناد بالادستی نظیر سند ریشه‌کنی بی‌سوادی، پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، نامه مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی)، سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور، ساختار آموزشی سوادآموزی (مصوبه ۸۳۳)، چارچوب و کلیات برنامه درسی مرحله اول آموزش بزرگسالان (مصوبه ۸۶۲)، بر ریشه‌کنی و کاهش بی‌سوادی در کشور،

همواره چالش‌های متعددی در تحقق این مهم مطرح بوده است (استریت^۱، ۲۰۱۵). اگرچه فعالیت‌های سوادآموزی به دلایلی نظیر گستردگی و پراکندگی سنی، جنسیتی و منطقه‌ای با چالش‌هایی مواجه است، اما یکی از عمده‌ترین این چالش‌ها که برنامه‌ریزی‌های سازمان نهضت سوادآموزی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، مقوله‌ی عدم شناسایی عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن است (رجایی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶؛ آتشک، ۱۳۹۰). درواقع دانشمندان علوم رفتاری، دانش اندکی در مورد عوامل اثرگذار بر بی‌انگیزگی تحصیلی دارند (لگالت و همکاران، ۲۰۰۶). محققان مطرح کردند که بی‌انگیزگی تحصیلی صرفاً مفهومی مقابل انگیزش تحصیلی نیست، بلکه علل و عوامل ایجادکننده‌ی آن می‌توانند متفاوت باشند (لگالت و همکاران، ۲۰۰۶).

از طرفی بی‌انگیزگی تحصیلی، به‌عنوان فقدان انگیزش تحصیلی و اشتیاق لازم برای سوادآموزی و کسب دانش تعریف می‌شود (والراند و همکاران، ۱۹۹۳، لگالت و همکاران، ۲۰۰۶) و می‌تواند هزینه‌ها و بار مالی قابل توجهی را بر سازمان سوادآموزی تحمیل نماید و این سازمان را در عدم تحقق اهداف سازمانی خود و ریشه‌کنی بی‌سوادی تحت تأثیر قرار دهد. افراد برانگیخته و بالانگیزه، کارهای بیشتر و بهتری انجام می‌دهند (الیوت و همکاران، ۲۰۰۶) و سطوح بالای انگیزش فراگیران با سطوح بالای موفقیت همراه است (هاگر و هین، ۲۰۰۷). ازطرف دیگر، عدم شناسایی عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن، اتخاذ رویکردها و برنامه‌های اثربخش را در سازمان سوادآموزی با چالش روبرو می‌نماید و هدف‌گذاری سند ملی برنامه آموزش و پرورش، بر کاهش قدر مطلق بی‌سوادی در افراد ۱۰ تا ۴۹ ساله را، حتی باوجود منطق‌های محلی کردن سوادآموزی و منعطف کردن فعالیت‌های آموزشی، تضعیف می‌نماید. درعین حال تحقق اهداف متعالی یونسکو نظیر آموزش برای همه و آموزش برای توسعه‌ی پایدار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین شناسایی متغیرهای اثرگذار بر بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن و راهکارهای جذب آنان پیامدهای مثبت و مهمی را برای تحقق اهداف سازمان نهضت سوادآموزی به ارمغان می‌آورد. برخی محققان بیان نمودند که عوامل مؤثر در عدم استقبال روستائیان از دوره‌های، آموزشی به ترتیب اولویت عبارت‌اند از مشکلات مالی مشکلات خانوادگی مهاجرت‌های فصلی کار روزانه وضعیت جسمی و

تعداد فرزندان. همچنین بررسی به‌عمل آمده نشان داد که عواملی نظیر مسافت روستا تا مرکز شهرستان، بی‌سوادی اعضاء خانواده، نگرش منفی فرد بی‌سواد، نگرش منفی خانواده به سواد، عدم وجود رسانه‌های گروهی در خانه و... در عدم استقبال روستائیان از کلاس‌ها بی‌تأثیر می‌باشد (محمدعلی زاده و افشاری، ۱۳۷۰؛ قدسی، ۱۳۷۲).

استریت و همکاران (۲۰۱۵) چالش‌ها و تغییرات فرآیند سوادآموزی را در روستاهای ایران موردبررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که به‌طور گسترده‌ای موارد متفاوتی از عوامل فردی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی، محدودیت‌هایی را در فرآیند سوادآموزی تحمیل می‌نمایند (استریت^۱، ۲۰۱۵). حکیم‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت «عنوان بررسی علل استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی در کشور»، با بررسی دیدگاه‌های سیاست‌گذاران، آموزشیاران و افراد واجد شرایط سوادآموزی، از طریق روش‌های کمی و کیفی، دلایل فردی، سازمانی، آموزشی و زمینه‌ای مؤثر در عدم شرکت گروه‌های بی‌سواد در برنامه‌های سازمان نهضت سوادآموزی را استخراج نمود. نتایج یافته‌های تحقیق هوشنگی (۱۳۷۲) در خصوص بررسی علل استقبال عده‌ای از بی‌سوادان از کلاس‌های آموزشی نهضت سوادآموزی (دوره مقدماتی) نشان داد که بین سن و میزان استقبال رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ و متأهل یا مجرد بودن افراد بر میزان استقبال آن‌ها از کلاس‌های سوادآموزی تأثیر می‌گذارد. همچنین بین تصور بزرگسالان از میزان توانایی خود در امر سوادآموزی و میزان استقبال از کلاس‌های سوادآموزی رابطه معنی‌دار وجود دارد. درعین‌حال تعداد دفعات دعوت حضوری افراد توسط آموزشیاران برای استقبال بیشتر از کلاس‌ها تأثیر مثبت می‌گذارد و طولانی‌تر شدن سابقه حضور نهضت در محل و تشکیل کلاس‌های سوادآموزی و میزان استقبال از کلاس‌ها اثر مثبت می‌گذارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که باسوادی همسران افراد برای سوادآموزی آن‌ها اثر تشویقی می‌گذارد و بین تشکیل مستمر کلاس مخصوص خواهران و برادران با میزان استقبال آن‌ها از کلاس‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد. درنهایت به‌کارگیری روش مناسب جهت جذب سوادآموزی ملی مؤثر برای استقبال سوادآموزان می‌باشد.

روش تحقیق

این پژوهش با روش کیفی^۱ از نوع مطالعه موردی انجام شده است که در آن آموزشیاران نهضت سوادآموزی استان کرمانشاه با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ متناسب با پژوهش کیفی انتخاب شدند. به اعتقاد محققان کیفی، چون افراد فعالانه در تعامل‌های اجتماعی شرکت کرده و تجربیات متفاوتی دارند، قادر خواهند بود که به طرق مختلف به فهم و شناخت پدیده‌ها نائل گردند (معراجی و همکاران، ۱۳۹۴). جامعه آماری این مطالعه آموزشیاران نهضت سوادآموزی استان کرمانشاه بودند، معیار حجم نمونه در این مطالعه، مشابه مطالعات کیفی تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی^۳ بود و جایی که داده جدیدی به دست نیامد، نمونه‌گیری به پایان رسید. بر این اساس دو مصاحبه نیمه ساختارمند با ۳۵ آموزشیار نهضت سوادآموزی استان کرمانشاه تا رسیدن به داده‌های تکراری^۴، انجام شد. در این پژوهش شرکت‌کنندگان فوق‌الذکر مورد مصاحبه قرار گرفتند. این نوع مصاحبه به دلیل به دست آمدن اطلاعات مناسب و تعامل شرکت‌کنندگان با یکدیگر، خاص پژوهش‌های کیفی است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵؛ ۱۰۲). محور سؤالات مصاحبه، عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن و عوامل مؤثر بر ارتقای انگیزش آنان بود. مصاحبه‌های انجام‌شده با آموزشیاران فوق‌الذکر با کسب اجازه از آنان توسط دستگاه ضبط صدا^۵ ضبط و سپس به منظور تجزیه و تحلیل بر روی کاغذ پیاده شدند. از روش کیفی تحلیل محتوای^۶ به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. این روش تجزیه و تحلیل جهت استخراج و استنباط مفاهیم و معانی مناسب می‌باشد. بدین ترتیب که بعد از دست‌نویس کردن مصاحبه‌ها، چندین بار مصاحبه‌های دست‌نویس شده خوانده شد و سپس کدهای اولیه (جملات یا مفاهیم اصلی) استخراج شدند. در مرحله قبل از ورود آموزشیاران به مطالعه، هدف و نحوه انجام مطالعه به آن‌ها توضیح داده شد. در مورد ضبط صدا از آنان اجازه گرفته شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که از این نتایج فقط به منظور برنامه‌ریزی برای افزایش انگیزه بی‌سوادان استفاده خواهد شد و اصل گمنامی نیز رعایت

1 Qualitative study

2 Purposeful sampling

3 Data saturation

4. Theoretical saturation

5. Recorder Voice

6. Content Qualitative Analysis

خواهد شد. جهت دستیابی به صحت و استحکام داده‌ها، مقبولیت آن‌ها با استفاده از مطالعه و بررسی مستمر داده‌ها آن‌ها تا پیدایش درون‌مایه‌های اصلی، بازنگری تجزیه و تحلیل انجام شده توسط همکاران طرح^۱ و بازنگری نوشته‌ها توسط شرکت‌کنندگان در مطالعه^۲ انجام گرفت. عینیت‌پذیری داده‌ها با استفاده از درگیری و بررسی پیوسته، برخورد مناسب و همچنین دقیق بودن در همه مراحل پژوهش و روشن بودن روش پژوهش انجام شد. همچنین با استفاده از سه‌سوسازی، روایی و با بهره‌گیری از پنل متخصصان، پایایی داده‌ها مورد تأیید نهایی قرار گرفت.

نتایج و یافته‌ها

فرآیند اجرایی آنالیز یافته‌های حاصل از مکالمه‌های نیمه ساختارمند با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، به‌منظور شناسایی عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن از دیدگاه آموزشیاران نهضت سوادآموزی استان کرمانشاه، به شرح ذیل صورت گرفت:

- کدگذاری باز: مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش
 - کدگذاری محوری: طبقات گسترده و خرده طبقات حاصل از مفاهیم
 - کدگذاری انتخابی: خط سیر داستانی تحقیق
- تحلیل داده‌ها با استخراج مفاهیم و مقوله‌ها آغاز گردید (کدگذاری باز) و مفاهیم و مقوله‌های بی‌ربط و تکراری حذف گردیدند. لازم به ذکر است که در این مرحله، اشباع تئوریک (کفایت نظری)^۳ حاصل شد. به عبارت دیگر، مطلعین کلیدی (آموزشیاران نهضت سوادآموزی) آنچه را که می‌بایستی بیان می‌نمودند، اظهار داشتند و مورد جدیدی به مواردی که اشاره نمودند، اضافه نگردید و بعد از اشباع نظری کدگذاری باز انجام شد. جدول شماره ۱ مقوله‌های استخراج شده حاصل از کدگذاری متن مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد.

1. check Peer
2. check Member
3 Theoretical Saturation

جدول شماره ۱- لیست کلیه مفاهیم استخراج شده از تکنیک مکالمه‌ی نیمه ساختارمند آموزشیاران
نهضت سوادآموزی استان کرمانشاه

ردیف	مفاهیم (کدگذاری باز)	کد
۱	عدم به‌روز بودن محتوای کتاب‌ها بر اساس نیاز بی‌سوادان	M1
۲	فاصله زیاد بین محل تشکیل کلاس و مکان سکونت	M2
۳	دشوار بودن کتاب‌های ریاضی برای یادگیری	M3
۴	اثر منفی برگزاری کلاس‌ها در منزل شخصی	M4
۵	طولانی بودن مطالب مورد تدریس در دوره‌ها	M5
۶	موقعیت قومی و بومی سوادآموزان و میزان بی‌اعتمادی آنان به سوادآموزی	M6
۷	عدم تناسب محتوای کتاب‌ها با نیازهای عملی و کاربردی	M7
۸	دشوار بودن کتاب‌های یادگیری مهارت‌های پایه‌ی سواد	M8
۹	ثابت نبودن محل سکونت بی‌سوادان در یک منطقه به دلیل مهاجرت‌های فصلی	M9
۱۰	پیگیری اهداف کوتاه‌مدت و آنی توسط بزرگ‌سالان در دوره‌های سوادآموزی	M10
۱۱	عدم تمایل برخی از بی‌سوادان به یادگیری زبان فارسی	M11
۱۲	عدم کاربری بلافصل و عدم توجه به نیازهای آنی بی‌سوادان	M12
۱۳	عدم امکان انتقال محتوای دوره به زندگی واقعی	M13
۱۴	عدم انگیزه‌زا بودن محتوای کتاب‌ها برای ورود به کلاس	M14
۱۵	عدم حمایت مادی و معنوی از بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی	M15
۱۶	ناتوانی بی‌سوادان در تکلم به زبان فارسی	M16
۱۷	عدم وجود قوانین حمایت‌کننده و عناصر تشویقی برای شرکت در دوره‌ها	M17
۱۸	عدم انطباق زمان‌بندی کلاس‌ها با شرایط زندگی بی‌سوادان	M18
۱۹	عدم وجود امکانات آموزشی متناسب در دوره‌ها	M19
۲۰	عدم نظارت مستمر و کارآمد بر فرآیند سوادآموزی از سوی مسئولان	M20
۲۱	عدم وجود مکان یا عدم تناسب فضای برگزاری دوره‌های سوادآموزی	M21
۲۲	نامنظم بودن و عدم پیوستگی برنامه‌های آموزشی	M22
۲۳	عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های متولی امر	M23

بر اساس مفاهیم و مقوله‌های جدول ۱، زمینه کدگذاری محوری فراهم شد که در جدول ۲ آورده شده است. در کدگذاری محوری، بین مفاهیم و مقوله‌های مرتبط باهم ارتباط برقرار گردید. همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد این جدول حاوی سه طبقه بوده، هر یک از طبقات دربرگیرنده‌ی زیر طبقات و مفاهیم مربوط به خود است. این طبقات در جدول زیر از محورهای A تا C مشخص شده‌اند.

جدول ۲- کدگذاری (A تا C) و دسته‌بندی محوری کلیدی مفاهیم استخراج شده از تکنیک مکالمه‌ی نیمه ساختارمند با آموزشیاران

ردیف	مفاهیم	کد
۱	عدم به‌روز بودن محتوای کتاب‌ها بر اساس نیاز بی‌سوادان	A1
۲	فاصله زیاد بین محل تشکیل کلاس و مکان سکونت	B1
۳	دشوار بودن کتاب‌های ریاضی برای یادگیری	A2
۴	اثر منفی برگزاری کلاس‌ها در منزل شخصی	B2
۵	طولانی بودن مطالب مورد تدریس در دوره‌ها	A3
۶	موقعیت قومی و بومی سوادآموزان و میزان بی‌اعتمادی آنان به سوادآموزی	B3
۷	عدم تناسب محتوای کتب با نیازهای عملی و کاربردی	A4
۸	دشوار بودن کتاب‌های یادگیری مهارت‌های پایه‌ی سواد	A5
۹	ثابت نبودن محل سکونت بی‌سوادان در یک منطقه به‌دلیل مهاجرت‌های فصلی	B4
۱۰	پیگیری اهداف کوتاه‌مدت و آنی توسط بزرگسالان در دوره‌های سوادآموزی	A6
۱۱	عدم تمایل برخی از بی‌سوادان به یادگیری زبان فارسی	A7
۱۲	عدم کاربری بلافصل و عدم توجه به نیازهای آنی بی‌سوادان	A8
۱۳	عدم امکان انتقال محتوای دوره به زندگی واقعی	A9
۱۴	عدم انگیزه‌زا بودن محتوای کتاب‌ها برای ورود به کلاس	A10
۱۵	عدم حمایت مادی و معنوی از بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی	C1
۱۶	ناتوانی بی‌سوادان در تکلم به زبان فارسی	A11
۱۷	عدم وجود قوانین حمایت‌کننده و عناصر تشویقی برای شرکت در دوره‌ها	C2

ردیف	مفاهیم	کد
۱۸	عدم انطباق زمان بندی کلاس ها با شرایط زندگی بی سوادان	C3
۱۹	ضعف امکانات کمک آموزشی متناسب در دوره ها	C4
۲۰	عدم نظارت مستمر و کارآمد بر فرآیند سوادآموزی از سوی مسئولان	C5
۲۱	عدم وجود مکان یا عدم تناسب فضای برگزاری دوره های سوادآموزی	C6
۲۲	نامنظم بودن و عدم پیوستگی برنامه های آموزشی	C7
۲۳	عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان های متولی امر	C8

همان طور که یافته های جدول ۳ نشان می دهد در مرحله ی سوم از فرآیند کدگذاری داده های گردآوری شده، مرتب سازی نهایی و خوشه بندی کلیه ی مفاهیم و کدهای محوری را در ۳ طبقه صورت گرفته است.

جدول ۳- مرتب سازی نهایی و خوشه بندی کلیه ی مفاهیم و کدهای (A تا C) استخراج شده از تکنیک مکالمه ی نیمه ساختارمند آموزش یاران نهضت سوادآموزی

ردیف	مفاهیم	کد
۱	عدم به روز بودن محتوای کتاب ها بر اساس نیاز بی سوادان	A1
۲	دشواری بودن کتاب های ریاضی برای یادگیری	A2
۳	طولانی بودن مطالب مورد تدریس در دوره ها	A3
۴	عدم تناسب محتوای کتاب ها با نیازهای عملی و کاربردی	A4
۵	پیگیری اهداف کوتاه مدت و آنی توسط بزرگسالان در دوره های سوادآموزی	A6
۶	عدم تمایل برخی از بی سوادان به یادگیری زبان فارسی	A7
۷	عدم انگیزه از بودن محتوای کتاب ها برای ورود به کلاس	A10
۸	ناتوانی بی سوادان در تکلم به زبان فارسی	A11
۱۰	فاصله زیاد بین محل تشکیل کلاس و مکان سکونت	B1
۱۱	اثر منفی برگزاری کلاس ها در منزل شخصی	B2
۱۲	موقعیت قومی و بومی سوادآموزان و میزان بی اعتمادی آنان به سوادآموزی	B3
۱۳	ثابت نبودن محل سکونت بی سوادان در یک منطقه به دلیل مهاجرت های فصلی	B4
۱۵	عدم حمایت مادی و معنوی از بی سوادان برای شرکت در دوره های سوادآموزی	C1

ردیف	مفاهیم	کد
۱۷	عدم وجود قوانین حمایت کننده و عناصر تشویقی برای شرکت در دوره‌ها	C2
۱۸	عدم انطباق زمان‌بندی کلاس‌ها با شرایط زندگی بی‌سوادان	C3
۱۹	ضعف امکانات کمک‌آموزشی/کمک آموزشی متناسب در دوره‌ها	C4
۲۰	عدم نظارت مستمر و کارآمد بر فرآیند سوادآموزی از سوی مسئولان	C5
۲۱	عدم وجود مکان یا عدم تناسب فضای برگزاری دوره‌های سوادآموزی	C6
۲۲	نامنظم بودن و عدم پیوستگی برنامه‌های آموزشی	C7
۲۳	عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های متولی امر	C8

در مرحله آخر از فرآیند تحلیل کیفی حاضر، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل، حول محور هدف اصلی بی‌انگیزگی قرار گرفت و با پیوند دادن کدها (کدگذاری باز)، مفاهیم (کدگذاری محوری) و در نهایت در نهایت با خط سیر داستانی رابطه‌ی بین طبقات مشخص شد. طبقات به دست آمده حول مقوله - ی بی‌انگیزه بودن بی‌سوادان برای باسواد شدن قرار گرفتند و مدل میدانی و مفهومی عوامل بی‌انگیزه بودن بی‌سوادان برای باسواد شدن استخراج گردید و تأیید نظر آموزشیاران نیز باعث اعتبار مدل حاصله شد.

جدول ۴- طبقات گسترده و خرده طبقات حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

خرده طبقات	طبقات گسترده
عدم به‌روز بودن محتوای کتاب‌ها بر اساس نیاز بی‌سوادان	آموزشی
دشواری بودن کتاب‌های ریاضی برای یادگیری	
طولانی بودن مطالب مورد تدریس در دوره‌ها	
عدم تناسب محتوای کتاب‌ها با نیازهای عملی و کاربردی	
عدم پیگیری اهداف کوتاه‌مدت/کوتاه‌مدت و آنی توسط بزرگسالان در دوره‌های سوادآموزی	
عدم تمایل برخی از بی‌سوادان به یادگیری زبان فارسی	
عدم انگیزه از بودن محتوای کتاب‌ها برای ورود به کلاس	

ناتوانی بی‌سوادان در تکلم به زبان فارسی	
فاصله زیاد بین محل تشکیل کلاس و مکان سکونت	
جغرافیایی	اثر منفی برگزاری کلاس‌ها در منزل شخصی
	موقعیت قومی و بومی سوادآموزان و میزان بی‌اعتمادی آنان به سوادآموزی
	ثابت نبودن محل سکونت بی‌سوادان در یک منطقه به دلیل مهاجرت‌های فصلی
	عدم حمایت مادی و معنوی از بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی
نهادی	عدم وجود قوانین حمایت‌کننده و عناصر تشویقی برای شرکت در دوره‌ها
	عدم انطباق زمان‌بندی کلاس‌ها با شرایط زندگی بی‌سوادان
	ضعف امکانات کمک‌آموزشی‌کمک آموزشی متناسب در دوره‌ها
	عدم نظارت مستمر و کارآمد بر فرآیند سوادآموزی از سوی مسئولان
	عدم وجود مکان یا عدم تناسب فضای برگزاری دوره‌های سوادآموزی
	نامنظم بودن و عدم پیوستگی برنامه‌های آموزشی
عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های متولی امر	

بحث و نتیجه‌گیری

فرآیند تحلیل داده‌های کیفی حاصل از تکنیک مصاحبه نیمه ساختارمند با آموزشیاران نهضت سوادآموزی استان کرمانشاه نشان داد که عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن از دیدگاه آموزشیاران مذکور در قالب سه طبقه طبقه مفهومی شامل عوامل آموزشی، نهادی و جغرافیایی (محیطی) قابل دسته‌بندی است که در ادامه به تشریح این سه طبقه‌ی موضوعی در قالب عوامل بی‌انگیزه بودن افراد بی‌سواد برای باسواد شدن از دیدگاه آموزشیاران نهضت سوادآموزی استان کرمانشاه ارائه می‌شود و در نهایت در نهایت جمع‌بندی حاصل از اجماع یافته‌های کیفی هدف دوم پژوهش ارائه می‌گردد.

مؤلفه‌هایی نظیر عدم به‌روز بودن محتوای کتاب‌ها بر اساس نیاز بی‌سوادان، دشوار بودن کتاب‌های ریاضی برای یادگیری، طولانی بودن مطالب مورد تدریس در دوره‌ها، عدم تناسب محتوای کتاب‌ها با نیازهای عملی و کاربردی، عدم پیگیری اهداف کوتاه‌مدت و آنی توسط بزرگسالان در دوره‌های سوادآموزی، عدم تمایل برخی از بی‌سوادان به یادگیری زبان فارسی، عدم انگیزه‌زا بودن محتوای

کتاب‌ها برای ورود به کلاس و ناتوانی بی‌سوادان در تکلم به زبان فارسی از جمله مواردی بودند که در زیر مقوله‌ی آموزش، موجبات بی‌انگیزه شدن بی‌سوادان را برای باسواد شدن از دیدگاه آموزشیاران رقم می‌زد. یافته‌های این پژوهش در خصوص ماهیت محتوای کتاب‌های آموزشی نهضت سوادآموزی با نتایج تحقیق مجیدزاده (۱۳۹۰) و مخاطب و همکاران (۱۳۹۲) همسویی دارد. از طرفی، مؤلفه‌های فاصله زیاد بین محل تشکیل کلاس و مکان سکونت، اثر منفی برگزاری کلاس‌ها در منزل شخصی، موقعیت قومی و بومی سوادآموزان و میزان بی‌اعتمادی آنان به سوادآموزی و درنهایت ثابت نبودن محل سکونت بی‌سوادان در یک منطقه به دلیل مهاجرت‌های فصلی نیز در زیر مقوله‌ی عوامل جغرافیایی یا به تعبیری دیگر عوامل محیطی قرار گرفتند که به‌زعم دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۵) این عامل موجب نابرابری آموزشی در شهرستان‌های کشور می‌گردد. عوامل نهادی (سازمانی) نیز زیر مؤلفه‌هایی مانند عدم حمایت مادی و معنوی از بی‌سوادان برای شرکت در دوره‌های سوادآموزی، عدم وجود قوانین حمایت‌کننده و عناصر تشویقی برای شرکت در دوره‌ها، عدم انطباق زمان‌بندی کلاس‌ها با شرایط زندگی بی‌سوادان، ضعف امکانات کمک‌آموزشی متناسب در دوره‌ها، عدم نظارت مستمر و کارآمد بر فرآیند سوادآموزی از سوی مسئولان، عدم وجود مکان یا عدم تناسب فضای برگزاری دوره-های سوادآموزی، نامنظم بودن و عدم پیوستگی برنامه‌های آموزشی و عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های متولی امر را در برمی‌گرفت، این یافته با نتایج تحقیق رمضانیان فهندری و عالی (۱۳۸۸) همسو است. درنهایت سه طبقه مفهومی شامل عوامل آموزشی، نهادی و جغرافیایی (محیطی) از دیدگاه آموزشیاران باعث بی‌انگیزه شدن بی‌سوادان برای باسواد شدن قلمداد گردید.

الگوی سوادآموزی تابعی^۱ شیوه‌ای در برنامه‌ریزی درسی برای آموزش بزرگسالان را ارائه کرده که طی آن محتوای آموزشی بر اساس مشاغل، فعالیت‌ها، شرایط زندگی و مشکلات و دغدغه‌های روزمره سوادآموزان تنظیم می‌شود. عبدالهیان و اجاق (۱۳۹۱) به نقل از Sabahi (2001) سوادآموزی تابعی یا حرفه‌ای را آموزش سواد و علوم با توجه به شغل افراد و یاددادن مهارت‌های مربوط به حرفه آنان همراه با سوادآموزی تعریف می‌کند که با توجه به افزایش تعداد کارخانه‌ها و نیاز به کارگران ماهر که بتوانند بدون صدمه زدن به خود و ماشین‌آلات صنعتی با آن ماشین‌ها کار کنند، در نخستین همایش جهانی درباره حذف بی‌سوادی در تهران در سال ۱۳۴۳ مورد تأیید و تأکید شرکت‌کنندگان قرار گرفته

بود. در اظهارات آموزشیاران طی فرآیند مصاحبه نکاتی مطرح می‌شد دال بر این‌که اغلب سوادآموزان سؤال می‌کنند که مطالب درسی که به آن‌ها آموزش داده می‌شود به دردش نخورده و کاربردی برای آن‌ها ندارد. در مواردی نیز درک روایت‌ها و تصاویر و مطالب، به دلیل عدم تناسب با فرهنگ زندگی آن‌ها برایشان نامأنوس و مشکل بوده است. این موارد ضرورت پرداختن به برنامه‌ریزی درسی و تدریس در کلاس‌های نهضت با الگوی سوادآموزی تابعی را نشان می‌دهد. اجرای این الگو مستلزم تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزش بزرگ‌سالان است. ایران کشوری پهناور با فرهنگ‌ها، شرایط اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی بسیار متنوعی است که برنامه‌های هماهنگ و یکسان نمی‌تواند در همه مناطق اثربخشی لازم را داشته باشد. لذا به نظر می‌رسد تجدیدنظر در ساختار متمرکز آموزش بزرگ‌سالان و حرکت به سمت تدوین و اجرای برنامه‌های بومی و منطقه‌ای گامی ضروری برای ریشه‌کنی بی‌سوادی باشد؛ اما از آنجاکه چنین حرکتی نیازمند برنامه‌های بلند و یا حداقل میان‌مدت است، در کوتاه‌مدت باید اقداماتی جهت رفع عوامل سلب انگیزه سوادآموزان صورت گیرد. اگرچه تهیه جزوات و محتواهای آموزشی موقت حرفه محور توسط کارشناسان و اساتید بومی و آموزش آموزشیاران در هر منطقه یک راهکار مؤثر در کوتاه‌مدت خواهد بود. با توجه به مقام مشهود سوادآموزان در برخی از مناطق دوزبانه، ادراک‌شده توسط آموزشیاران، برای یادگیری خواندن و نوشتن به زبان فارسی، تهیه محتواهای برنامه درسی به زبان بومی نیز در افزایش انگیزه بی‌سوادان برای شرکت در کلاس‌های سوادآموزی مؤثر خواهد بود و احتمالاً مقاومت‌های فرهنگی و دیدگاه منفی سوادآموزان و خانواده‌های آن‌ها را نسبت به برنامه‌های سوادآموزی کاهش می‌دهد.

فرهنگ روستایی و روابط خاص اجتماعی روستاییان به‌گونه‌ای است که حضور مستمر همه در یکی از منازل روستایی، خصوصاً خانم‌ها که از مهم‌ترین مخاطبین برنامه‌های سوادآموزی هستند، معذوریت‌ها و محدودیت‌هایی را به دنبال دارد که حتی در مواردی می‌تواند موجب اختلال در روابط اجتماعی آن‌ها گردد. در اظهارات آموزشیاران آمده است که در موارد قابل توجهی بعد از اعلام آمادگی بی‌سوادان برای شرکت در کلاس‌های سوادآموزی، وقتی منزل یکی از روستاییان برای محل کلاس مشخص می‌شد، تعدادی از همان افراد از حضور در کلاس خودداری می‌کردند درحالی‌که در مناطقی که کلاس در ساختمان مدرسه روستا برگزار می‌شده است انصراف‌های مشابه رخ نداده است؛ بنابراین افزایش جذب افراد بی‌سواد مستلزم همکاری همه دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی فعال در مناطق هدف است، به‌گونه‌ای که امکان استفاده از فضا و امکانات محل‌هایی همچون درمانگاه‌ها،

مساجد، کارخانه‌ها، ساختمان بخشداری و حتی پاسگاه‌های نیروی انتظامی و... برای تشکیل کلاس‌های سوادآموزی میسر گردد. هم‌چنین عقد تفاهم‌نامه با سازمان‌هایی که دارای کارگران بی‌سواد هستند، به‌منظور حمایت از کارفرما جهت تشکیل کلاس‌های سوادآموزی حرفه‌ای که به افزایش بهره‌وری نیروی انسانی سازمان منجر خواهد شد نیز از راهکارهای میان‌مدت می‌باشد.

با توجه به اینکه تعداد قابل‌توجهی از افراد بی‌سواد در خانواده‌های عشایری زندگی کرده و مجبور به جابه‌جایی‌های فصلی هستند و بنا به اظهار آموزشیاران یکی از عوامل بی‌انگیزگی برای سوادآموزی نیز همین امر بوده است، واگذاری کلاس‌های سوادآموزی عشایر به معلمان عشایر که همراه با آن‌ها کوچ می‌کنند، تحت نظر مدیریت آموزش و پرورش عشایر استان‌ها نیز می‌تواند به افزایش انگیزه بی‌سوادان برای شرکت فعال در کلاس‌های غیرثابت کمک کند. در پایان پیشنهاد می‌شود برای رسیدن به هدف والای ریشه‌کنی بی‌سوادی در نظام مقدس جمهوری اسلامی، وزارت آموزش و پرورش نسبت به تدوین سند جامع برنامه سوادآموزی بر مبنای تمرکززدایی و برنامه‌ریزی بر اساس الگوی سوادآموزی تابعی متناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی اجتماعی در بلندمدت اقدام نموده و در گام‌های کوتاه‌مدت از استعدادهای کارشناسی و تخصصی استان‌ها برای تهیه و تدوین محتواهای آموزشی بومی استفاده کند.

منابع

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۸۴) آموزش بزرگ‌سالان. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲- امیری هنزکی، ناهید. (۱۳۷۳). بررسی انگیزه‌های شرکت سوادآموزان در کلاس‌های دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی، طرح پژوهشی، دفتر تحقیق و تألیف کتب درسی.
- ۳- ایران نژاد پاریزی مهدی و ساسان گهر پرویز (۱۳۹۳). سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، چاپ دوازدهم.
- ۴- آتشک، محمد. (۱۳۹۰). ارزشیابی توسعه سوادآموزی در کشورهای مسلمان. نشریه: تربیت اسلامی، شماره پاییز و زمستان، دوره ۶، شماره ۱۳؛ ۹۹ - ۱۲۱.
- ۵- باقریان، فاطمه. (۱۳۸۰). تأثیر سوادآموزی بر نگرش زنان روستایی، فصلنامه‌ی زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، پاییز، دوره ۱، شماره ۱.
- ۶- پوراحمدی، جمال. (۱۳۷۴). بررسی علل عمده صفت انگیزش مردم برای سوادآموزی، طرح

- پژوهشی نهضت سوادآموزی استان کردستان.
- ۷- پور رمضان، عیسی و محمد امیری میکال. (۱۳۹۳). تحلیل نقش نهضت سوادآموزی در توسعه فرهنگی روستاهای استان گیلان. چشم‌انداز جغرافیایی، بهار، دوره ۹، شماره ۲۶؛ ۷۱-۸۹.
- ۸- حجازی، یوسف (۱۳۸۵). چهار بنیان آموزش کشاورزی و منابع طبیعی. تهران: انتشارات پونه، چاپ اول.
- ۹- حکیم زاده رضوان. (۱۳۹۱). بررسی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه‌های سوادآموزی، طرح پژوهشی نهضت سوادآموزی.
- ۱۰- راهداری، مهرداد. (۱۳۷۸). بررسی تحولات سواد و سوادآموزی در ایران طی دوره ۱۳۷۷-۱۳۵۵. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۳۹، خرداد و تیر.
- ۱۱- رجایی پور، سعید؛ اکبری، عمر و احمدرضا آبادی. (۱۳۸۶). بررسی نیازهای مطالعاتی نوسوادان شهری و روستایی نهضت سوادآموزی، فصلنامه‌ی دانشور رفتار، شهریور، دوره ۱۴، شماره ۲۴ (ویژه مقالات علوم تربیتی ۸)، ۶۵-۸۰.
- ۱۲- سروستانی صدیق، رحمت‌الله. (۱۳۷۵). کاربرد تحلیل محتوی در علوم اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، ۸(۸).
- ۱۳- سید جوادین، سید رضا. (۱۳۸۶)، مبانی سازمان و مدیریت، نگاه دانش، چاپ دوم.
- ۱۴- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۶) روانشناسی پرورشی، (روانشناسی یادگیری و آموزش). تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۵- شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۸۵). اصول ترویج و آموزش کشاورزی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. چاپ اول.
- ۱۶- عبدالهیان، حمید و اجاق، زهرا (۱۳۹۱). تحلیل تاریخی وضعیت ارتباطات عمومی علم در مجلات علمی عمومی ایرانی (۱۲۹۰-۱۳۹۰ هجری خورشیدی). مجله تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، تابستان ۹۲، شماره ۷۳، صص ۲۳۵ تا ۲۵۶.
- ۱۷- فضل‌اله احمدی و همکاران (۱۳۸۷). تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، بهار و تابستان ۸۷، سال ۸ انتشار شماره ۱. صص ۱۷۵ تا ۱۸۵.
- ۱۸- قدسی، امیر. (۱۳۷۲). بررسی عوامل موثر در جذب بیسودان به کلاسهای سوادآموزی در همدان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه همدان.

- ۱۹- معراجی، مرضیه؛ محمودیان، ساناز سادات و مهسا ربانی. (۱۳۹۴). بررسی کاربرد نقشه‌های مفهومی در یادگیری: به روش تحلیل محتوی. خلاصه مقالات اولین همایش کشوری روش‌های یاددهی و یادگیری در حوزه و دانشگاه، (۱)۱.
- ۲۰- محمدعلی زاده، یدا و حسن افشاری. (۱۳۷۲). بررسی علل استقبال عده‌ای از بی‌سوادان از کلاس‌های آموزشی نهضت سوادآموزی (دوره مقدماتی)، طرح پژوهشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- ۲۱- مشایخی، ع؛ و همکاران. (۱۳۸۴). بررسی عوامل کلیدی مؤثر بر کاربرد فناوری اطلاعات در سازمان‌های دولتی ایران: کاربرد روش دلفی. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت.
- ۲۲- معتمدی شملزاری، عبدالله. (۱۳۸۹). شناسایی نیازهای آموزشی زنان نوسواد نهضت سوادآموزی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی، پژوهش در نظام‌های آموزشی، تابستان، دوره ۴، شماره ۹، ۹۷-۱۱۶.
- ۲۳- نایلی، محمد علی (۱۳۷۳). انگیزش در سازمان‌ها، اهواز: دانشگاه شهید چمران، چاپ اول.
- ۲۴- نعیمی، عبدالزهر. (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین کیفیت تجارب یادگیری و بی‌انگیزگی تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله‌ی مطالعات آموزش و یادگیری دوره سوم، شماره اول، بهار و تابستان، پیاپی ۲/۶۰.
- ۲۵- هوشنگی احمدرضا. (۱۳۷۲). بررسی علل استقبال عده‌ای از بی‌سوادان از کلاس‌های آموزشی نهضت سوادآموزی (دوره مقدماتی)، طرح پژوهشی سازمان نهضت سوادآموزی.
- ۲۶- یوسفی سعیدآبادی، رضا و اسحق علی عزیزی. (۱۳۸۸). نیازسنجی منابع مطالعاتی گروه‌های پیگیر و کم‌سواد نهضت سوادآموزی استان مازندران، نشریه پویش، دوره ۲، شماره ۳-۴.
- 27- Elliot, A. Heimpel, S. & Wood, J. (2006). *Basic personality dispositions, self-esteem and personal goals. Journal of Personality*, 74: 1293- 1320.
- 28- Hagger, V. & Hein, V. (2007). *Global self-esteem, goal achievement orientations and self-determined behavioral regulations in a physical education setting. Journal of Sports Science*, 25: 149-159.
- 29- Hidi, S. & Harackiewicz, J. M. (2000). *Motivating the academically unmotivated. Review of Education Research*. 70, 2, 151-179.
- 30- Legault, L. Pelletier, L. & Green-Demers, I. (2006). *Why do high school students lack motivation in the classroom? Journal of Education Psychology*, 91: 15-28.

- 31- Skulmoski G. J. et al. (2007) "*The Delphi Method for Graduate Research*," Information Technology Education, vol. 6.
- 32- Street, B. V. (2014). *Social literacies: Critical approaches to literacy in development, ethnography and education*. Routledge.
- 33- Street, B. Pishghadam, R. & Zeinali, S. (2015). *Changes and Challenges of Literacy Practices: A Case of a Village in Iran*. International Journal of Society, Culture & Language, 3(1), 16-
- 34- UNESCO. (2015). *United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization*, Available at; <http://www.en.unesco.org>
- 35- Vallerand, R. J. Pelletier, G. & Vallieres, E. (1993). *On the assessment of intrinsic motivation in education*. Educational and Psychology Measurement, 53: 150-172.